

نسبت میان حقیقت و زیبایی و تاثیر آن بر معماری دوره اسلامی

زلیخا اژدریان شاد^{۱*}، محمد مهدی موحدی^۲

۱- دکتری فلسفه، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران.

atria55@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران.

movahedi2020@gmail.com

چکیده

مساله زیبایی را خداوند در درون همه انسان ها قرار داده است، بنابراین تشخیص زیبایی و رفتن به دنبال زیبایی ریشه در روح ما دارد، و در حقیقت انسان نیاز دارد که در ارتباط با زیبایی باشد. بنابراین بدون زیبایی روح در تاریکی و خشونت ماده و در سیطره کمیت ها خسته می شود، کار زیبایی با انسان در حقیقت جلب نظر اوست در جهت گسیختن از کمیات و پرداختن به کیفیات تا حیات او طراوت و معنا پیدا کند. و در واقع رابطه ای که بین حقیقت و معنا با زیبایی وجود دارد از این جهت تبیین میگردد که زیبایی نمودی است از کمال و یا حقیقت. در این مقاله سعی شده از روش تحلیلی و توصیفی و مطالعات کتابخانه ای به تعریف حقیقت و زیبایی و ارتباط بین این دو از دیدگاه اندیشمندان اسلامی پرداخته و در نهایت نمود این مفاهیم و در واقع تجلی محتوا و حقیقت را در کالبد معماری دوران اسلامی مورد بررسی قرار دهد. با دقت در یک اثر زیبا علاوه بر این که حس زیبایی جویی انسان اشباع می شود به دریافت کمال نیز نائل می گردد. که این امر در معماری دوران اسلامی با وجود گذشت سالیان دراز از خلق آنها به دلیل پیوند عمیق هنرمند با معانی و حقایق ازلی مشهود است. بنابراین هر قدر رابطه بین سه مفهوم (حقیقت، زیبایی و هنر)، بیشتر و عمیق تر باشد درک بهتر و مفید تری از زیبایی و کمال به وجود می آید. و انسان هر هنر و حقیقت مفید و انسانی را زیبا تلقی خواهد کرد و همچنین توانا در خلق آثاری زیبا و کمال گرا و در بردارنده حقیقت مطلق را خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: زیبایی، حقیقت، هنر، معماری دوره اسلامی، جهان بینی اسلامی

۱- مقدمه

چگونگی آفرینش «اثر هنری» یکی از اصلی ترین دغدغه های هنرمند معاصر است. هنر و معماری معاصر، خود را سرگردان در ورطه متشتت آراء و اندیشه ها یافته و توان تشخیص سره از ناسره را ندارد و به نظر می رسد این پراکندگی، حاصل جدایی «عین» و «ذهن» در نگاه مدرن به آثار هنری می باشد (اشرافی و نقی زاده، ۱۳۹۴: ۳۷). دنیای امروز دنیای بی ثباتی ارزش هاست، هیچ معیار ثابتی برای اینکه بگوییم این اثر خوب است یا بد وجود ندارد. نسبیت در ارزشها، کثرت گرایی در معیارهای ارزشی و شکاکیت در مباحث هستی شناسی و انسان شناسی را به دنبال آورده است. اینها در حالی است